

کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب	لغت عربی فارسی
مؤلف	
موضوع	
شماره ثبت کتاب	۱۲۹۴
	۹۱۹۲۹

خطی - فهرست شده
 ۸۵۲۰
 ۴۷۴۵

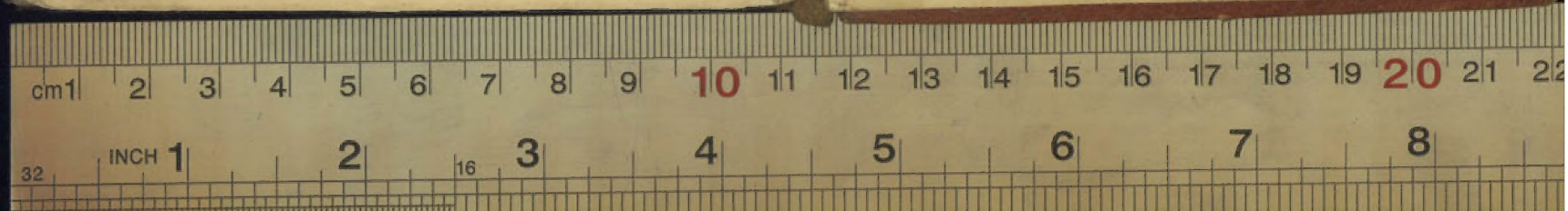
۴۷۴۵

کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای ملی
 ۱۳۸۷۷
 فیلمو تیک تاسیس ۲۰۲۰

بازرسی شد
 ۱۳ - ۲۲

بازدید شد
 ۱۳۸۲



خدا ایامی در این سال نام
باز بهی مغربه علی

ولا نقدر انى انا
ولا نقدر انى نقدر

بناظره صاحب ارض
مکتبی

عاقبت نهانی در شهر
قال ایضا این شهر

کتاب عم لایب مؤلف
بنیامین بن یونس
بنیامین بن یونس
بنیامین بن یونس

三

قدرة الخلق على ضد

من عبد السلام

برای حفظ و تدوین

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

محبوب الوجودی کے لئے کمال غنا
کیف صورت نامعروف

بزرگوار است و در این کتاب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

علاء الدین یحییٰ بن محمد
کتاب صوفیه و کلامی

صفت حب بنفوس مسکرات

دستور الرقيب
عبد الله بن ادم بن جابر
ادناه

وعدده ما يكب الخ و در فم
و در فم الخ و در فم الخ و در فم

س و یووب و شبر و نذیر

از بخت و بختی
شکی علی راهی مشایخ

لو كان عمر النبي

ان الشيب ردا على القصد والى
كما ان الشيب ردا على القصد والى

ادوات و لوازم و غیره

فاس

...

وَأَكْبَرُكُمْ شَأْنًا وَأَكْبَرُكُمْ كَلَامًا
وَأَكْبَرُكُمْ كَلَامًا وَأَكْبَرُكُمْ كَلَامًا

وكتب القى ابن جبريل
في اوله لا يقسم

امروزه بعضی از خود را
سازگار دانند
و اما راه را
نشان

دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی

نصف و اربعه

قال الخاف
عنك يا بدي

افغ باغستان خزانة المولى
في المولى محمد باقر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

عزت دین محمد بن علی

فليس الذي
مؤلفه

وہی الدن
نقشہ
نقشہ
نقشہ
نقشہ
نقشہ

در این کتاب

و فتح قلعه و حصار و قلعه

قلت صف لي حنك الزاكي بصف حنك بقدر الله

قال كاسر وكالعصف ربا ايهام

سخن سے ادب ہے کمال
خانہ الیٰ خواجه

والتی لکھو کہ واسطی دایم
والتی لکھو کہ واسطی دایم

دعوت و تبلیغ و اصلاح و ترویج
در میان اهل ایمان و کمال

والتاريخ المذكور

ان الجواد في الاموال

در غیر اینصورت

صح ارا وادع

فہرست اموی آل ہجری

این کتاب در طایفه تصنیف
مفسد است

من مکتوبات فی شهر

عبدالکبیر نعیمی
دری بنادوق الحی

الحق في الدين والسياسة

فرزك ربك عليك
رحم الله من الميم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

دال دارت غرض و الموضه
ذا لم تخضع لي فمك في ملاه

و لربانی سحریت فاضله
و کائنات ادری و کماله

لما كثر تنقي في صفف
ودار الزد في داره

مفتی داد محمد
دفعہ ۱۱۱۱



از جمله مشتقات که در الناس است الوقع است بدو حرف تهمی و منزل
 قمر شمس و شب و کتب هر که به مرتب بر سر باب و اندک الموقنين و عليه
کتاب الجزية باب الجزية المفترقة ابق کرزنده که ثم بزه کاره بجزیه
 آبله آن جهان آجن اب بجزیه بجزیه که فخر السید آخرو اجیر پس
 آخرت بجهان آدم مردم هم کون آس مورد آف پیری آفت جمع
 اکل خورنده و خور آت دست افروزه آل سراب و حاشی ن آل السیرت ن
 رسول م آفر فایده آیین سچین آ آن و افغ اکون آفتک در زنده
 درام آتک ربیه آینه ن و حرفه بی قران آیات جمع آتک
 ان ایته بی که تغییر در تحمل بود آیات ن بهات ان ایته که بهد مانه **فم الکافی**
 آب چو کاه آبا پدران اب پرده ابق کرزنده **ومن الکتاب** البربر لوم
 ابو یحیی ملک المرت ابوالکاسم محمد م آ الکون و ابو تراب امیر المؤمنین علی
 ابوالفرس م ابوالکرک یافت ابوالحسن م جهای پیران نوح ابوجز
 امیر الغنی ابویون بنین ابونصر سیده ابوبنیع پالوده ابوالفتح سیده
 ابوکامل کشت ابوجبر بر ن ابوالنعمان سیده ابوالفتح و ابوجبر
 ابوجبر اسفزه ابوجبر مع خوان ابواللاد هم دیک ابوجیفه دیک ابوالکاف

[illegible]

و در صله المغرب و صلاه العشاء الاولیه ثلاث ثم صله العتمة و صله العشاء الاخره من رخص
صلاه الفجر و صله الصبح و صله الغزات غزوات با و صله الصبح غزوات صله الكرم
و در رخص آفتاب صله خوف و در رخص ماه صله الاستسقاء و در رخص باران صله العصر
و در سفر صله خوف و در رخص مکه حیات یکنی صلاح صله و صلب بر رکن
و پشت بازده صد مرتبه حاصل کن خشک صلف صلب و علم
صیل نایب زخم شیشه صانف یک صفت صد مهر و پناه نیازندان و انکه اودا
نوبت بخود قسم کنی مصاصم تیغ صفت غار بیش صغری یوم فردا تیغ صغری صغری
صیغرم حاصل و بیان دل تیغ چنگ صغری چنگ تیغ زن چرب زدن تیغ
دست کار شیشه صفت تر از و صفت جمع تیغ چرب دست صفت کار قسم است
اضاع جمع صبر طغیانه صیغه کار صنایع جمع صواب ضابطه صراق زر زر صواب
فروش صفت آواز در صوم روزه و روزه پیش صفت حله کون صون کنه دشت صولیان
چو کان صوم صوابی عبادت صنوع جمع صوابی کار بر سر می زده صومرین پشت
و پس کرمان شتر صیل آواز شب صیاح بانگ کنده صیاد پنجه کر صیاح در صفت
ابری که باران بزرگ قطره باشد صیحه بانگ و غدا صید آموه پنجه کر زار خوش
صیور جمع صوف و صیر و قزاق صیغری جمع صیغری صیقل لکه آینه در و گشت

شتر گاهیت پسند که در دستنی گشت و یک خورد و بار در آن گاهیت شمع نغمه پذیرد و کف
 بهره و دود را بدینگونه پخته اند و بکند زنان شکل جمع کلوز تا بوقت کار کردن که گرم کند و بر باری
 نهند که آنس جای آموزد و زن کنان خوش گشته و جمع کنان نیز در آن کنان خانه شود که آن جمع
 گشت نیز یکبار آتش دان آهنگری کیس که **کتاب الامم باب الامم المفق**
 لال مردار بدین فروش لال درنگ کننده لال به چاره میت لال بر پشته لال به صلاح
 لات نام بت لاجرم همیشه لال به راه جمید الامموس بدین شراقی پخته شده لال به
 آردینه لال به باد لالی ناچیز لال به باری کننده لال به گشت کننده لال به لازم
 طین لال به کل چسبده لال به لغو لال به لفظ دریا و خوض و سنگ سبب لال به باوی که بر ر
 کشته و درخت را بار در گشت لال به جمع لال به گشت گشته لال به الامم شسته و لال به زده
 لال به زشته لال به لاد استیختی لال به زلال همیشه باسد لال به کت گشته لال به ایمون و لال به جمع
 درخت لال به لایق در خود لال به اندر درخت لال به ده بی اند لال به بیتر فروش درخت زن
 به موضع کنان به درین که شوی را دوست دلاد و یا فرزند لال به درخت لال به شیر
 الی ان جمع لال به خشت قائم لال به خشت پر ایش لال به شیر ماده لال به لوس بهره در پخته و نام
 زده لال به کنان که خند بر در لال به عاقل لال به والقی و الیه لال به سینه بدن لال به لایق سینه
 لال به کت گشته لال به شیر لال به لایق لال به پخته لال به شیر کنان لال به لایق لال به لایق لال به کت

فردش لب راه روشن کم دشت لحوم و لحوم جمع کرده است لحون سخن خدا و داور خوش
الحی زفر لحن روز قریب تر پاک است لحنی یا نه ضعیف نه لحن سخن خوشتر که نرم و لطیف
دارند و لیم جامه بوند در دشت مره چری لالت جمع تندی چری یک با مره و لیم
چسبده لسن زبان آورد لحنی چسبده لفاص راه ندی لطافت بگوید لحن
بگوید کار و آنچه کسی فرستد لطف جمع لطفه طایفه زدن لطیف بگوید کار و حاجت
لطیفه با آنچه لطیف گفته مادر در دو نید در لب نهم بقت لطیفه کار و لید در دو
لحن لطفی بش زبان نرسد و نام روز خفوه باشد نه لب بازی لطف بازی کرد
لحن لاسه لیس لحن نغزین لسنده لکرت بگویند بزنده لایه تو شعله لاسه لاسه نام
لنت نغزین لقوق دارد و لایه که میسند لیب هم بازی لین نغزین گفته شده لغوس
که حریف بود در خوردن لفاصه و لفا لحن زن که را نه و قوی وی بزرگ باشد
و جسته لفا بستان لب در دشت لغوث آن زن که فرزند دارد در شوهر پیش لفظ سخن
دارند لحن لیب انبوه و یار لفا حفره خرا لفا حفره پس لیب لفظی اگر بگوید در دشت
که صرف مرغ باشد مثل حدیق لیب ابابکر یا محمد کله را گویند در دشت لفا و لفظ و لفظ
شعر کلمه که از هر و غیره القاب جمع لعل لکک و ان مرغیست در زبان را بزرگ رسد
لقوه پیری که در آن در و بر اگر کند لفظ و عقاب شتر و ل لفظ گفته لقف حزن

گرفته و بینی روده شده جمع شده آن زن که بسیار زاریه و مفرز برشته و مفرز زرد و بل
مفرز محض ماعون منع خانه چون دیکه و کاسه و تبر و زین زن و جز آن ماعون و کاس
که در او اعراب نه باقی و باقی که چشم که زردی کوشیده با کمال خلوصه و مال خانه
اموال جمع ماعون و کاسه و کاس و کاس و کاس جمع و مالک خازن و فرزند و فرزند داشته
مالک پنجم نام این زن باقی ماعون با زردی و ماعون جمع ماعون و کاس و کاس و کاس
مفرز و کلاب فروش مادی که فروخته شده مادی که مایه است و در کار مادی که خوا
از کاسه مایه جمع ماین و در کوی مایه و دت منزل مایه که مایه مایه مایه
بعضی فرزند زردی مایه که مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
منبع مقدار مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
پشت ماین جمع ماین مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
قوان در زردی و کاسه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
مثل مانند و مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
مشبه برف دان مثل مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
مشبه پادشاهی مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه
فرزند سبب بدولت مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه مایه

[illegible]

مخلوط که در آن می نهند و مختل می نمایند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
زن که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
جامه که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
دام و دام می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
خواهر و خواهر می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
روغن و روغن می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
که در زیر می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مراسم که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
کسی که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
تراب و تراب می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
بر جبهه خلاف می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مراسم که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
جمع می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مزد و مزد می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند

مزد و مزد می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مراسم که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
کسی که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
تراب و تراب می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
بر جبهه خلاف می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مراسم که به کینه می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
جمع می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند
مزد و مزد می نهند و حق می نهند و حق می نهند و حق می نهند

[illegible]

دلی

[illegible]

[illegible][illegible]

باب اول از جمع هنر و حرف

ح ب و ادب بد دو و حج حب "ع

بج اه بر دغ و بر حج زو حد زب

ها دغ هه بودد حب زاجع دبع

خا نبع هذ و و هج زذ حد ود

هو زه حز و ج دبر حج او جوع

اح بودد بد اب با دغ به اد

بب و اجج فرس ز کلها بفع

ومدامه لسانها فی کامها
نور علی ملک الافاق با برغ
رفت وغاب عن الزجاجة لطفها
فكانت الا بوق غمها فارغ

ومأمله نائل غنك فلنا
لها فی وصف العجب العجا
رنا طبا و غنى عند لها
والاح شفاها و شفا

مدین الرومی

اُراؤکم ووجوهکم و سبوحکم
فی الحادثات اذا جئکم
منها معالم الهدی و مصالح
تخلو الدجی و الاخرات جرم

مدیة بحسن التروانی

اقول له و قد جابک اس
لها من سکر شهیه ختام
امن خدک بک بصر فال کلا
منی عثر من الکرم المدام

دست قمت و دست صبره لک
قمت صفی صند الکر و صند

قال کادد و کما لعلان و ما نه و کد



قال انضمت زانبت ام هم صبر

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم گشت

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم زانبت زانبت

و هم گشت عجب بکوه

و هم زانبت زانبت



و هم زانبت زانبت